

اطلاعیه مشترک در همبستگی با خیزش‌های توده‌ای در عراق و لبنان

در بطن اوضاع متحول جهان و شرایطی که فقر و بیکاری و فساد دریایی از بارت خشم و خروش توده‌های کارگر و زحمتکش سراسر جهان را تلنبار کرده است و شرایطی که هر جرعه به انبار بارت جهان به حریقی دامنگیر بدل می‌شود، خاورمیانه قد برافراشته است و در آرزوی نان و کار و آزادی خود را به آب و آتش افکنده است. صدها کشته و هزاران زخمی جلودارش نیست. پیش‌نشانهای آنکه بالاخره ابرهای تیره قومیت و مذهب و فرقه‌ها توسط میلیون‌ها انسان در عراق و لبنان به کناری زده شوند و مردم درد مشترک خویش را فریاد زنده و حول آن متشکل شوند، قدرت‌های حاکم را به لرزه انداخته است. دنیا به چشم کسانی که گمان می‌کردند اجتماع فرقه‌ها می‌تواند بیان اراده جمعی باشد و یا آنرا منتفی کند تیره و تار شده است. هم از اینروست که اتاق‌های فکر و پاسداران ارتجاع، سرمایه، استبداد و قدرت‌های حاکم بر منطقه سراسیمه براه افتاده‌اند و برای سرکوب و صیانت از سلطه جهنمی خویش همدیگر رایاری، دلداری و «مشاوره» می‌دهند.



رژیم جمهوری اسلامی ایران که با حمایت‌های بی‌چون و چرای خود از دولت و احزاب اسلامی طرفدار رژیم در عراق و سازماندهی میلیشیای حشدالشعبی یکپای اصلی بحران و فساد حکومتی و مسبب فقر و فلاکتی است که به توده‌های مردم این کشور تحمیل شده است، این روزها نقش مستقیمی در مدیریت سرکوب قیام مردم به عهده گرفته است. رژیم جمهوری اسلامی، کشور عراق را به میدان منازعه نیابتی با آمریکا و دیگر قدرت‌های ارتجاعی منطقه تبدیل کرده و از این طریق بیش از همه به تن زخمی توده‌های رنج کشیده عراق شلاق می‌زند. این رژیم رویای درهم شکستن مقاومت توده‌های ایران عراق و لبنان را باهم می‌بیند زیرا که می‌ترسد تا عنقریب توده‌های این مناطق حول درد مشترک به هم نزدیک شوند و اگر ابرهای توهم به تمامی فرو ریزد و هیچ بودگان متشکل شوند این امر غریبی نیست. وقتی توده‌های میلیونی علی‌رغم سرکوب با شور و شوق نبرد را ادامه می‌دهند و وقتی علیه فرقه‌های حاکم امثال «امل» و حزب اله و حشدالشعبی و... به دفاترشان حمله و با تکیه بر درد مشترک فریاد می‌زنند، وقتی سرنگونی کل حاکمیت را طلب می‌کنند، وقتی علیه اشغالگران و دولت‌های ذبنفع اعم از ایرانی و آمریکایی و عربستانی و بارزانی و... شعار می‌دهند و برای آزادی می‌جنگند، نه تنها با کارگران و زحمتکشان ایران بلکه با همه قربانیان سلطه سرمایه در سطح جهان همدردی خود را اعلام کرده‌اند و دنیایی سرشار از امید می‌آفرینند. امیدهایی که توسط گرداب‌های مهیب محاصره شده است.

نقطه قوت این خیزش‌های توده‌ای در آنست که هیچ وعده حکومتی تاکنون نتوانسته است مردم را فریب دهد. وعده استعفای نخست وزیر و حتی تغییر قانون اساسی و برگزاری انتخابات زودرس در عراق و اعلام کاهش ۵۰ درصدی حقوق سیاستمداران، بستن مالیات بر درآمد بانک‌ها و استعفای سعد حریری در لبنان نیز تاکنون نتوانسته این اعتراضات را خاموش سازد. علی‌رغم هر تفاوتی در لبنان و عراق، بیکاری گسترده و فساد هیئت حاکمه و شکاف فاحش طبقاتی و فقر دامنگیر زیر فشار سرمایه جهانی و سیاست ریاضت اقتصادی بعنوان درد مشترک مردم فرودست را به ستوه آورده است. در ادامه همین فشارها بود که مؤسسات مالی جهانی شرط دادن وام‌های جدید به لبنان را مشروط به اتخاذ سیاست‌های ریاضتی جدید کردند. امری که شورش تهیدستان را به جلو انداخت. در جامعه‌ای که یک درصد از شهروندان ۵۸ درصد ثروت جامعه و قدرت حکومتی را در اختیار دارند و بیش از یک چهارم مردم لبنان زیر خط فقر زندگی می‌کنند، ۳۷ درصد جوانان بیکارند، بستن مالیات بر استفاده از شبکه‌های اجتماعی فقط جرعه‌ای بر بشکه بارت محسوب می‌شود.

با این همه و علی‌رغم امیدواریها تجربیات تاکنونی از جنبش‌های خودانگیخته و بی سازمان در خطر گرداب‌های مهیبی است که امیدواریها را تهدید می‌کند. در مقابل طبقات حاکم و همبستگی جهانی سرمایه داران، تنها اسلحه ما سازمانیابی و شکل دادن به یک رهبری روشن بین و انقلابی و گسترش همبستگی در ابعاد داخلی و جلب حمایت کارگران و زحمتکشان جهان است. در دنیای معاصر با بحرانهای ویژه‌اش ما شاهد برآیندهای توده‌ای هستیم که زیر فشارهای اقتصادی و اجتماعی در اشکال انفجاری رخ می‌دهند. در چنین حالتی همه چیز در گرو آنست که آیا ما خواهیم توانست به سازمانیابی خویش

نائل شویم و در اسرع وقت خیابان را به محل کار و زندگی پیوند بزنیم یا نه! از اعتصاب به خیابان و از خیابان به اعتصاب عمومی قدرت مانور خود را گسترش دهیم یا نه! شرط این توانایی ایجاد کمیته‌ها و شوراهای محل کار و زیست و میادین اعتراض و برپائی نهادهای حاکمیت توده‌ای در محلات است. از "میدان تحریر" یا "ریدالصلح" آغاز می‌کنیم یا از محله و محیط کار، این به شرایط و فرصت‌های ما بستگی دارد. مهم اینست که ما باید متشکل شویم در غیر اینصورت فرسوده و سرکوب می‌شویم. هنر در انفجارهای توده‌ای و ضرب الاجل در اینگونه شرایط سرعت سازمانیابی است. مهم اینست که تا طبقه حاکم دستپاچه است ما آماده ضربه بعدی شده باشیم و زمانی که خیابان مناسب نیست چرخ‌های حرکت اقتصادی را از حرکت انداخته و محل کار را تسخیر کرده باشیم. واقعیت آنست که کلیت سرمایه داری راه خروجی جز سرکوب ندارد و دلیل گستردگی خیزش‌های توده‌ای و کانونی شدن آنها حول معیشت و اولیه‌ترین ملزومات حیاتی امری نیست که بتوان با سرکوب برای مدتی طولانی به تعویق انداخت. بحران کنونی راه حلی سرمایه دارانه ندارد. از اینرو پاسخی کارگری همه جا ضرورت خود را به نمایش می‌گذارد و برآیندهای توده‌ای هر بار ژرف‌تر از پیش به صحنه خواهند آمد. سوسیالیزم تنها آلترناتیو واقعی شرایط کنونی است.

پیروز باد خیزش‌های توده‌ای در عراق و لبنان علیه دولت‌های حاکم!

زنده باد همبستگی جهانی کارگران!

زنده باد سوسیالیسم!

۱۷ آبان ۱۳۹۸

**امضا کنندگان: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری –
حکمیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت**